



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۳ بهمن ۱۳۹۹

مصادف با: ۱۸ جمادی الثانی ۱۴۴۲

موضوع جزئی: مسئله ۲۳- ادله لزوم حجاب زن - دلیل اول: آیات - آیه سوم: آیه «ولاییدین زینتهن الا ما ظهر منها»

جلسه: ۷۵

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در آیه «ولاییدین زینتهن الا ما ظهر منها» بود. عرض شد به این آیه استدلال شده برای لزوم پوشش و ستر زن. در تقریب استدلال به این آیه مقدمه گفتیم سه معنا برای زینت ذکر شده است؛ چون سایر اجزای این آیه معنایش روشن است؛ عمده اختلاف در اینجا پیرامون معنای زینت است که در آیه ذکر شده است. البته مرحوم آقای خوئی در مورد «لاییدین» یک نکته‌ای دارند که این هم به نوعی در نتیجه‌گیری از این آیه دخالت دارد که حالا آن را در ادامه ذکر خواهیم کرد. عمده بحث در معنای زینت است. عرض کردیم یک قول و احتمال این است که منظور از زینت، مواضع زینت باشد به صورت مجاز یا تقدیر. احتمال و قول دوم اینکه مقصود ما تزیین به المرأة باشد؛ یعنی زینت‌های مصنوع بشری، ظاهری و باطنی یا خصوص باطنی. قول سوم اینکه به معنای زینت‌های خلقی و طبیعی است یا اعم از زینت‌های خلقی و طبیعی و زینت‌های مصنوعی، کما ذهب الیه المحقق الحکیم؛ ایشان می‌گویند منظور از زینت در اینجا اعم است، یعنی هم زینت‌های خلقی و طبیعی را می‌گیرد - یعنی خود زن - و هم زینت‌های ظاهری و باطنی که زن از آنها استفاده می‌کند.

حق در معنای زینت

اینجا یک بحث این است که آیا بنا بر هر سه قول پوشش زن و ستر زن واجب است یا نه؛ یک بحث این است که کدام یک از اینها صحیح است و کدام قابل دفاع است. این دو بحثی است که فعلاً به این محدوده مورد نظر ما مرتبط است و الا بحث‌ها در اینجا زیاد است؛ نظرات مفسرین، نظرات لغویین، استفاده‌هایی که اهل سنت از این آیه کرده‌اند. در مورد اینکه کدام یک از این سه معنا در اینجا درست است، ما عرض کردیم ظاهر این است که زینت به معنای ما تزیین به المرأة است چون:

اولاً؛ موافق است با آنچه لغویین درباره معنای زینت گفته‌اند و هم با خود این آیه سازگار است و هم در روایاتی این را تأیید می‌کند. از نظر لغت عرض کردیم در کتاب‌های لغت نوعاً زینت را به این معنا دانسته‌اند که ما تزیین به المرأة و این البته از برخی از کتاب‌هایی که به توضیح و تبیین الفاظ و واژه‌های قرآنی و روایی پرداخته‌اند هم دانسته می‌شود.

ثانیاً؛ آنچه در آیه گفته شده اینکه «لاییدین زینتهن» زینت اضافه شده به نساء، این حاکی از تغایر زینت و نساء است. وقتی می‌گویند «زینتهن» این قطعاً با آن احتمال که بگوییم منظور از زینت خود نساء هستند، سازگار نیست؛ مثل این است که شیء را به خودش اضافه کنیم. اگر زینت به معنای نساء باشد، یعنی باید به جای زینتهن می‌گفت انفسهن.

سؤال:

استاد: چطور می‌تواند اینجا اضافه بیانیه باشد؟ ... ما اینجا ضمیر داریم ... ما فعلاً این احتمال سوم را می‌گوییم. ... اینکه شیء به خودش اضافه شود معنا ندارد. ... یک وقت بحث این است که می‌گوییم مواضع زینت، یعنی محل قرار گرفتن زینت‌ها؛ حالا این یا میج دست است یا گردنبند روی گردن است یا بازوبند یا خلخال است؛ می‌گوید این مواضع نباید آشکار شود. اضافه بعضی اعضا به خود نساء مشکلی ندارد، ولی وقتی می‌گوییم زینت خلقی، یعنی کل بدن زن. ... می‌گوید «النساء عی و عورة»، می‌گوید خودشان را آشکار نکنند. ... بدن المرأة فرق می‌کند؛ یک وقت ما این را در قبال یک چیزی دیگری قرار می‌دهیم، آنگاه ممکن است این حرف را بزینم. می‌گوید «لایبیدن زینتهن»، «هن» یعنی همان زنان، یعنی نساء و مؤمنات. «لایبیدن زینتهن» یعنی اینها خودشان را، بدنشان را آشکار نکنند. پس اولاً این خلاف معنای لغوی است؛ این اضافه هم مبعد است.

ثالثاً: روایات متعددی داریم که براساس آن روایات زینتی که در این آیه آمده تفسیر شده به زینت‌های ظاهری؛ خاتم، انگشتر، دستبند، بازوبند، خلخال؛ چند روایت که بعضاً سند آنها خوب است و دلالت آنها خیلی واضح و روشن است. البته یک روایاتی هم داریم بعضاً که این را بر بعضی از مواضع زینت حمل کرده ولی غالب روایاتی که در این باب ذکر شده، زینت‌های ظاهری را ذکر کرده و همان ما تتزین به المرأة.

البته مرحوم آقای خویی می‌گوید: ظاهر از آیه تارة با قطع نظر از روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد و آخری با ملاحظه آن نصوص و روایات. ایشان می‌گوید معنای زینت در این آیه عبارت است از ما تتزین به المرأة، با قطع نظر از روایات. ولی اگر با ملاحظه روایات بررسی کنیم، می‌گوید «وان كان الثانی»، ان كان الثانی یعنی ملاحظه الآیه منضمةً الى تلك النصوص، آیه را با ملاحظه نصوص اگر بخواهیم بسنجیم، «فالروایات و ان كانت صریحةً فی أن المراد بالزینة، إنما هو مواضعها»، اگرچه روایات صریح در این است که منظور از زینت، مواضع زینت است «الا انه لا بد من التکلم فی معنی البداء». آقای خویی این را فرموده که با ملاحظه روایات معنای زینت می‌شود مواضع الزینة، در حالی که اینطور نیست؛ حالا این سخن را بعداً بررسی خواهیم کرد. شما اگر به روایات هم مراجعه کنید این طور نیست. ما قبلاً این روایات را ذکر کردیم، روایات عمدتاً خود زینت‌ها را ذکر کرده و البته اینکه ما از این روایات بالدلالة الالتزامية استفاده کنیم که منظور مواضع زینت، آن بحث دیگری است. ولی اینکه بگوییم روایات صریح در این است که منظور از زینت، مواضع الزینة است این قابل قبول نیست. به نظر ما نوعاً روایات ظهور در همین معنا دارد؛ یعنی بیشتر تأیید می‌کند همان معنایی را که در لغت ذکر شده است.

تقریب استدلال به آیه

بنابراین مجموعاً از بین این سه قول و سه معنا، آنچه می‌توانیم بگوییم این آیه بر آن دلالت دارد ما تتزین به المرأة است؛ منتهی اگر این معنا را بپذیریم، چگونه می‌توانیم به این آیه استدلال کنیم برای لزوم ستر و پوشش زن. این را هم قبلاً عرض کردیم؛ می‌گوییم معنای آیه این است که ابداء زینت‌های زن؛ زینت‌های مصنوع جایز نیست؛ این هم زینت‌های ظاهری را در برمی‌گیرد و هم زینت‌های باطنی را. ولی زینت‌های مصنوع بشری منظور است، ما تتزین به المرأة. منتهی حالا این زینت‌های مصنوع بشری، منظورمان اعم از زیورآلاتی است که به خودشان می‌آویزند یا آنچه که روی بدن قرار می‌دهند مثل خضاب و سرمه. حنا بستن، سرمه کشیدن، این درست است با النگو و انگشتر فرق می‌کند اما بالاخره اینها زینت‌های عرضی هستند. زینت‌های

عرضی بر دو قسم هستند؛ یک بخشی از آن مصنوعی است و یک بخشی طبیعی است. مصنوعی هم بالاخره باز یک تفسیری از آن می‌شود کرد. بالاخره ما اگر گفتیم منظور از زینت، ما تزیین به المرأة است، کأن آیه دارد می‌گوید به طور کلی آنچه را که با آن زینت می‌کنید خود را، آشکار نکنید؛ چه باطنی و چه ظاهری. این خضاب و سرمه، همه را در بر می‌گیرد؛ بازوبند، خلخال، گردنبند، انگشتر و مثلاً حنایی که به دست یا پا می‌زنند. می‌گوید این زینت‌ها را آشکار نکنید. لازمه نهی از ابداء این زینت‌ها، نهی از ابداء آن محلی است که این زینت‌ها بر آن قرار می‌گیرد؛ این فرق می‌کند با احتمال و قول اول که در جلسه قبل اشاره شد. طبق آن احتمال اساساً اینجا آیه دارد نهی می‌کند از ابداء مواضع زینت؛ یعنی باید تقدیر بگیریم و بگوییم مثلاً منظور لایبیدین مواضع زینت‌هاست؛ به حذف مضاف قائل شویم. یا از راه مجاز بگوییم که منظور ذکر حال و اراده محل است؛ «لایبیدین زینت‌ها» گفته ولی مقصود محل این زینت و موضع این زینت است. در آن طریق ما از راه مجاز یا حذف باید به این معنا می‌رسیدیم. اما طبق این بیانی که عرض می‌کنم، اینجا نه بحث مجاز است و نه بحث حذف. ظاهر آیه نهی از ابداء و آشکار کردن ما تزیین به المرأة است، منتهی این یک دلالت التزامی و یک لازمه دارد، یک مدلول التزامی دارد؛ مدلول التزامی این آیه می‌شود نهی از آشکار کردن خود این مواضع، یا پوشش یا وجوب پوشش آنها. یعنی این آیه با این بیانی که عرض کردیم در واقع بالدلالة الالتزامية لزوم ستر و پوشش زن را می‌رساند. «لایبیدین زینت‌ها الا ما ظهر منها».

سؤال:

استاد: نه اینکه در مقام بیان آن نیست؛ اتفاقاً می‌خواهد بگوید که زنان زینت‌هایشان را آشکار نکنند در واقع مقصود آن مواضع است. یعنی اهمیت آن مدلول التزامی بیش از این است. ... ما به ملاحظه اینکه خود روایات هم این را گفته‌اند که اینها را آشکار نکنید، این را استفاده می‌کنیم. آیا اینکه در روایات گفته‌اند اینها را آشکار نکنید، منظور چه بوده است؟ ... مثلاً آیه می‌گوید انگشتر، بازوبند، خلخال و انگشتر را آشکار نکنید؛ اینجا می‌توانید بگویید چون گفته اینها را آشکار نکنید، پس اصلاً کاری به دست و پا ندارد؟ ... اتفاقاً می‌خواهد بگوید که نوع زنان که این کار را انجام می‌دهند و زینت‌هایشان را آشکار می‌کنند، زینت‌هایشان را آشکار نکنند. لازمه نهی از آشکار کردن زینت این است که این محل و موضع را هم آشکار نکنند.

شما در واقع دو سؤال می‌کنید؛ یکی اینکه اگر در همین جاها زینت نبندد چطور و اینجا حکمش چیست؛ دوم، حکم سایر اعضای بدن چیست؟ راجع به اولی عرض می‌کنم که غالب زنان چنین زینت‌هایی را در همه اعصار داشته‌اند، این حکم را به لحاظ غالب وقتی گفته می‌شود، دیگر ما اینجا نمی‌توانیم بگوییم منظور فقط زنانی است که زینت می‌اندازند. این در واقع یک حکم کلی است برای زنان که زینت‌ها را آشکار نکنند. اینکه می‌گوید زینت‌ها را آشکار نکنند، بالملازمه این را می‌رساند که محل اینها را آشکار نکنند. ... می‌گوید زینت‌هایتان را آشکار نکنید. ... این در واقع کأن یک مقصود کلی دارد؛ ما اینجا مجاز و حذف هم نداریم؛ می‌خواهیم بگوییم این خلاف ظاهر است. معنا همان ما تزیین به المرأة است. ولی وقتی از اینها نهی می‌کند، چون غالب زنان این چنین هستند که از این امور استفاده می‌کنند، کأن آن بخشی هم که استفاده نمی‌کنند، مشمول این حکم هستند. ... چون نوع زنان این چنین هستند که زینت استفاده می‌کنند، یعنی می‌خواهد بگوید این زینت‌ها را آشکار نکنید تا آن محل‌ها دیده نشود؛ این می‌شود لازمه آن. همین الان نوعاً این زینت‌ها اشکال مختلف دارد؛ ... ما نمی‌گوییم ملاک حکم است بلکه می‌گوییم به دلالت التزامیه آن را می‌رساند. وقتی به دلالت التزامی برساند، این دیگر می‌شود لازمه آن. آن وقت اینجا

مخاطب فقط زنانی که بالفعل زینت می‌اندازند نیست بلکه مخاطب همه زنان هستند؛ چون نوع زنان و غالب زنان این چنین هستند، برای همه این حکم را اثبات می‌کند.

اما سؤال دیگر که سایر اعضا چطور؟ این گفته گردن، میج، انگشت، پا، بازو؛ اما کمر و شکم و ران و امثال اینها چه؟ عرض ما این است که اولاً زینت‌های ظاهری و باطنی مجموعاً با توجه به اینکه در برگیرنده همه اعضا هست؛ یعنی روی بازو شما، روی پا، روی شکم زینت دارند، روی گردن دارند، لذا با توجه به گستردگی استفاده زنان از زینت‌ها از این جهت که همه بدن را فی الجمله پوشش می‌دهد، لذا همه اعضا را دربرمی‌گیرد و دیگر اینجا خصوص اینکه عضو بما انه لم تکن فیه الزینة مورد نظر نیست. این در واقع کأن می‌خواهد بگوید شما زینت‌های ظاهری و باطنی را، آن چیزهایی که خودتان را با آن زینت می‌کنید، اینها را آشکار نکنید و چون این زینت‌ها، زینت‌هایی است که همه اعضاء بدن و همه قسمت‌های بدن را دربرمی‌گیرد، لذا نمی‌توانیم بگوییم یک عضوی که مثل پهلو که هیچ زینتی برایش وجود ندارد، این مثلاً اشکال ندارد. این را نمی‌توانیم بگوییم. آن زینت‌هایی که ظاهر است، مثل خضابی که روی دست قرار می‌دهند یا روی پا، قدمین یعنی کف پا و آن مقداری که دیده می‌شود، اینها استثنا شده است. یا حتی سرمه استثنا شده است. انگشتر استثنا شده است. اما غیر از اینها، زینت‌های باطنی هر چه هست، یعنی غیر از آنچه که بر وجه و کفین قرار می‌گیرد و استفاده می‌شود، آنها همه مشمول نهی این آیه قرار می‌گیرد.

سؤال:

استاد: نه اینکه دخالت ندارد؛ ... برای اینکه اینها در واقع متبلور آن بدن و اعضا و در واقع یک انگیزه جدی برای اظهار بدن ایجاد می‌کند و برای جلب توجه به بدن. این در واقع یک نوع بیان برای این ممنوعیت است. اتفاقاً در آیه «ولیضربن بخرهن علی جیوبهن»، سؤال این است که این «ولیضربن بخرهن علی جیوبهن» با این چه فرقی دارد؟ آیا این تأکید است یا چیز دیگری می‌خواهد بگوید. در ادامه دارد «لایضربن بارجلهن حتی لیعلم ما یخفین من زینتهن». یک سؤال این است که آیا اینها همه یک حکم را بیان می‌کند و فقط تأکید می‌کند؟ یا مثلاً اگر «لایبیدین زینتهن» اینجا دارد می‌گوید زینت‌ها را آشکار نکنید، این سر را هم دربرمی‌گیرد یا نه؟ این «ولیضربن بخرهن علی جیوبهن» مکمل این است و دارد آن نقصی که در این آیه وجود دارد برطرف می‌کند در بیانش، نقص از جهت بیان، یعنی یک تکلیفی است راجع به یک قسمت دیگر، یا اینکه این یک تأکیدی است بر آنچه که در این آیه بیان شده است. هیچ اشکالی تولید نمی‌کند. اینکه شما بگویید آیه نهی از ابداء خود زن می‌کند، هم خلاف لغت است و هم خلاف روایاتی است که ذیل این آیه آمده است. البته در بعضی از روایات گفته شده که «النساء علی و عورة» ولی روایاتی که ذیل این آیه آمده، اکثراً این را تفسیر کرده‌اند به زینت‌های مصنوعی، اتفاقاً همین بحثی است که بعداً بیان خواهیم کرد.

پس اولاً ما همان معنایی که در لغت وجود دارد حفظ کردیم؛ مرتکب مجاز و حذف و تقدیر و این چیزهایی که خلاف اصل است نشدیم. روایات هم همین معنا را می‌رساند. معنای آیه بر این اساس می‌شود نهی از ابداء زینت که بالملازمه نهی از ابداء این مواضع و محل زینت می‌شود. چند اشکالی که شما بیان کردید هم پاسخ داده شد. اینکه نهی می‌کند از زینت، پس اگر زنی این زینت را نداشته باشد، نهی شامل او نمی‌شود؟ قطعاً اینطور نیست. اینکه نهی شامل سایر اعضا نمی‌شود، این هم قطعاً منظور نیست.

استاد: فرق می‌کند که قائل شویم این کلمات در معنای غیر خودش به کار رفته یا حکم را تعمیم دهیم به سایر اعضا. حکم را با توجه به لسان این آیه تعمیم دهیم. ... می‌گوییم این زینتی که اینجا گفته‌اند ما تتزین به المرأة نه ما تتزین به المرأة فعلاً. فرض کنید کسی اهل زینت است و همه جور زینت هم دارد؛ یک روز زینت‌هایش را کنار می‌گذارد و بدون زینت بیرون می‌رود، آیه شاملش نمی‌شود؟ ... «لایبیدین زینتهن» می‌گوید زینت‌هایشان را آشکار نکنند؛ نه یعنی زینتی که الان روی دستش است را آشکار نکنند؟ آنجا مجاز است و خلاف حرف اهل لغت است؛ ما اگر مواضع زینت بگوییم، با این چیزها سازگار نیست؛ ولی اگر می‌گوییم «لایبیدین زینتهن» یعنی آن چیزهایی که زن با آن خودش را می‌آراید، آنها را آشکار نکند؛ یعنی اگر از آنها استفاده کند نباید آنها را آشکار کند. نه اینکه این فقط مخصوص بعضی حالات باشد. یک وقت شما حکم را متوجه برخی حالات می‌دانید ولی این حکم اینجا اطلاق دارد؛ متوجه حالت‌های زنان نیست که در بعضی حالات این نهی وجود دارد و در غیر این حال وجود ندارد. این اصلاً ناظر به حالت‌های استعمال اینها نیست. این دارد می‌گوید آنچه را که زن با آن خود را می‌آراید، این نباید آشکار شود. خود زینت‌های مصنوع که نمی‌تواند منهی عنه واقع شود؛ می‌گوید آنها را کسی نباید ببیند در حالی که یک گوشه افتاده است. پس اصلاً اطلاق ما تتزین به المرأة به اینها برای وقتی است که مورد استعمال قرار بگیرد. این معنایش آن است آن چیزهایی که زن با آن خودش را می‌آراید، آنها را برای دیگران آشکار نکند. ولی غرض چیست؟ نه اینکه بگوییم این را گفته و آن را اراده کرده است؛ می‌خواهم عرض کنم آن را مورد نهی قرار داده ولی نه اینکه فعلیت استفاده از اینها مدنظر باشد؛ می‌خواهد بگوید به طور کلی آن چیزهایی که این شأنیت را دارند که زن از آنها استفاده کند، اینها را آشکار نکند. و لازمه‌اش این است که آن محل را آشکار نکند. این اشکالی تولید نمی‌کند. راجع به سایر اعضا هم عرض کردم. ... بله، فقط در نساء عی و عورة این اشکال نیست که همه بدن را گرفته، که باز آن یک اشکال دیگر دارد. لذا این قول به نظر ما اقل محذور است از سایر اقوال است.

پس تقریب استدلال به این قول برای اثبات لزوم پوشش زن ذکر شد. ما دو مطلب گفتیم؛ یکی اینکه در بین این سه قول، کدام قول اصح است. دوم اینکه کیفیت استدلال براساس این قول چگونه است. لذا می‌توانیم نتیجه بگیریم لزوم ستر و پوشش زن را. طبق آن دو قول دیگر چطور؟ اگر ما گفتیم مراد مواضع الزینة است یا گفتیم مراد زینت به معنای اعم از زینت مصنوعی و خلقی و طبیعی است، آیا طبق آن دو احتمال هم می‌شود استدلال کرد به این آیه برای پوشش زن یا نه؛ این را در جلسه آینده عرض می‌کنیم و بعد کلام مرحوم آقای خوئی را بررسی می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»